

چگونه فرزند باهوشتری

تربیت کنیم

دکتر جان بک • ترجمه ع. شایق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

چگونه فرزندان باهوشتری تربیت کنیم

نوشتهٔ جان بک

ترجمهٔ علی شایق



انتشارات کویر

تهران ۱۳۷۲



تهران - صندوق پستی ۶۴۹۴-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۳۱۹۹۲

فاکس: ۸۸۳۲۲۱۷

نام کتاب	:	چگونه فرزندان باهوشتری تربیت کنیم
نویسنده	:	جان بک
مترجم	:	علی شایق
مسئول فنی	:	محمد بیات
طراح جلد	:	مسعود محسن زاده
حروفچینی	:	صمدی
لیتوگرافی	:	اشکان
چاپ	:	سازمان چاپ ۱۲۸
صحافی	:	سازمان چاپ ۱۲۸
تیراژ	:	۵۰۰۰ جلد
چاپ اول	:	۱۳۷۱
چاپ دوم	:	۱۳۷۱
چاپ سوم	:	۱۳۷۲
		حق چاپ محفوظ است

فهرست

مقدمه‌ی مترجم

مقدمه‌ی مؤلف

فصل ۱

۱ اولین و بهترین آموزگار فرزندتان شما هستید

فصل ۲

۲۳ چرا شما می‌توانید فرزند باهوش‌تری پرورش دهید

فصل ۳

۵۳ محیط منزل شما چگونه می‌تواند هوش فرزند شما را تقویت کند

فصل ۴

چگونه از هنگام تولد تا هیجده ماهگی فرزند باهوش‌تری

۶۹ پرورش دهیم

فصل ۵

۱۰۳ میل سیری ناپذیر کودک به آموختن در سنین هیجده ماهگی

تا سه سالگی

فصل ۶

چگونه موجب تحریک رشد فکری کودک کان بین سنین سه تا

۱۱۹ شش سالگی شویم

فصل ۷

آیا می‌توانید قبل از دبستان خواندن را به فرزند خود

فصل ۸

چگونه می‌توانید فرزند را تشویق کنید که فرد سازنده و خلاق

۱۹۹

شود

فصل ۹

شما می‌توانید نظر و افکار متسوری را در منزل پیاده کنید

۲۱۷

فصل ۱۰

چگونه مغز فرزند خود را از آسیب‌ها حفظ کنیم

۲۳۳

فصل ۱۱

چگونه قبل از تولد فرزند به فکر او بوده و از وی مراقبت کنیم

۲۴۳

فصل ۱۲

لذت داشتن یک فرزند باهوش

۲۶۷

مقدمه مؤلف

کتابی که خوانندگان محترم در پیش روی خویش دارند، صرفاً، مطالبی را درباره کیفیت پرورش و شکوفایی مغز کودک، از بدو تولد تا پایان ۶ سالگی وی، مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهد، نه در باب کیفیت تغذیه، خوابیدن، پوشیدن و مسائلی از این قبیل. این کتاب به والدین می‌آموزد که چگونه می‌توانند با صرف وقت، و به کارگیری دقت بیشتر، سرگرمیهایی را برای کودک خود به کار گیرند که اشتیاق آموزش در فرزندشان شکوفا شود و در همان حال در کنار این شکوفایی، استعدادهای آموزشی، وی به تفریح و بازی نیز سرگرم باشد. به طور خلاصه، این کتاب از غذایی که والدین باید به مغز کودک برسانند بحث می‌کند، نه از غذایی که باید وارد معده او شود.

ما می‌توانیم با طرقی که در این کتاب ذکر گردیده کاری بکنیم که در اولین دوره ۶ سالگی زندگی کودک، سطح هوش و ذکاوت وی بالا رود. ماهرترین و مجرب‌ترین والدین در بهترین خانه‌ها ممکن است ناخواسته و ندانسته مانع رشد فکری اطفال خود گردند، چه آنها نمی‌دانند مغز کودک که در حال رشد سریع است، چه نیازهای ضروری و فوری دارد تا به موقع به رفع آن اقدام نمایند.

هدف کتاب در اختیار قراردادن تحقیقات نوین برای رشد فکری و ذهنی کودک در دوران تولد تا شش سالگی می‌باشد. اطلاعات لازم

برای تدوین کتاب از نشریات علمی، بحث‌های آموزشی و لابراتوارهای آزمایشی به فرمی که مفید واقع شود جمع‌آوری گردیده است.

این کتاب از جهت دیگری نیز قابل توجه است و آن اینکه مخالف روش‌هایی است که قبلاً برای پرورش طفل بکار برده می‌شد. پدران و مادران قبلاً براین باور بودند که، طفل بر حسب برنامه‌ی زمان‌بندی شده‌ی ذاتی، رشد و نمو می‌کند. محیط نمی‌تواند موجب تسریع یا کند شدن فکر و هوش وی گردد، ولی اکنون ما می‌دانیم که این نظریه صحیح نیست. تغییرات محیط اطراف می‌تواند موجب بروز تغییرات اساسی در رشد فکری کودک در طول زندگی گردد. همچنین می‌دانیم که نه تنها والدین در آموزش طفل خود، نقش حیاتی دارند، بلکه مؤثرتر و با نفوذترین آموزگارانی هستند که طفل می‌تواند در دوران تحصیل داشته باشد. کافی است ملاحظه کنید که والدین به چه نحو در آموختن زبان مادری به طفل خود کمک می‌کنند تا آنکه وی، بتواند در تسلط به مشکلات آن زبان فائق آید.

شما نمی‌توانید تمام روش‌هایی را که در این کتاب، پیشنهاد گردیده در آموزش طفل خود، اعم از پسر یا دختر، به کار بندید. کودکان، تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. همچنین، خانه، پدر و مادر و محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند، نیز، دارای خصوصیات متفاوتی می‌باشند. بنابراین نمی‌توان نسخه واحدی را برای رشد فکری یک کودک با کم و زیاد کردن داروهای آن به کار برد. هر طفلی با اختلاف ذاتی، خصوصیات، مزاج، و توانایی ویژه‌ای که باید مورد توجه پدر و مادر قرار گیرد، پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. این کتاب راهنمایی وسیعی در اختیار شما قرار می‌دهد و به شما کمک می‌کند تا طفل خود را در وضع و حالت مخصوص او، بشناسید و در جریان رشد او دید

تازه‌ای نسبت به وی، پیدا کنید و بدانید که او در این مسیر رشد به چه چیزهایی نیاز دارد.

این کتاب، صدها طرق عملی را به شما ارائه می‌کند که شما می‌توانید راه ویژه‌ای را انتخاب کرده و از آن برای نحوه آموزش فرزند خود الهام بگیرید. اگر نگاهی به صورت فرزند خود بین کنید و موجودی را ببینید که هوش وی در حال شکوفا شدن است و نیازهای فیزیکی و احساسی فوری و ضروری در چهره‌اش خوانده می‌شود، آن وقت است که ارتباط و بستگی شما با او غنی‌تر، شادی آفرین‌تر و راضی‌کننده‌تر می‌گردد.

برای ارائه تحقیقاتی که در تنظیم و طبع این کتاب به عمل آمده است، من خود را مرهون کمکهای بی‌دریغ تعداد زیادی از پزشکان و متخصصین و استادان دانشگاه می‌دانم، همچنین دانشمندانی که مرا ترغیب به تالیف آن نموده‌اند، تا مورد بهره‌برداری شما مادران جوان و فرزندان‌تان قرار گیرد.

از آنجائی که، نصف مجموع ظرفیت هوش و استعداد کودک، تا سن چهار سالگی و هشتاد درصد آن، تا سن هشت سالگی رشد می‌کند، از این رو، یک تلاش صحیح برای آموزش فرزند، قبل از شروع دبستان، بسیار ضروری بنظر می‌رسد. مجموعه پیوست، تحت عنوان: «چگونه فرزند باهوش‌تری تربیت کنیم»، حاوی اطلاعات، راهنماییها، مطالب و سرگرمیهای ساده‌ای است که به کار بستن آنها برای والدین، به ویژه مادران جوان، بسیار نشاط‌آور است و به آنان می‌آموزد که چگونه می‌توانند اولین و مهم‌ترین آموزگار فرزند خود باشند.

جان. بک

www.KetabFarsi.com

مقدمه مترجم

تا کنون کتابهای متعددی درباره‌ی کودکان و زمینه‌های مختلف مربوط به آنان، «به خصوص طرز پرستاری، نحوه‌ی تغذیه، بهداشت و سلامتی» نوشته شده است، ولی به ندرت در آن کتب، اشاراتی به پرورش فکری کودک و به آنچه لازم است در شش ساله‌ی اول زندگی، انجام شود، گردیده است. در این کتابها توجه داده نشده است که پدران به ویژه مادران جوان، چه نقش سازنده‌ای در این مورد دارند.

ما نوزاد را موجود ناتوانی می‌شناسیم که بایستی صرفاً پرستاری شده و پس از شش سالگی او را به دبستان بفرستیم تا سرنوشت آتی خود را دنبال نماید. ولی پس از مطالعه این کتاب که بر مبنای تحقیقات متخصصین تعلیم و تربیت و روانشناسی دانشگاه معروف هاروارد و دانشمندان بزرگ دیگر نوشته شده نوزاد را، به گونه دیگری خواهیم شناخت. انسانی پویا و کوشا و پر توان که از لحظه گشادن چشم، تمام تلاشش صرف تحقیق و شناسایی و تجربه‌اندوزی از محیط اطراف خود بوده و در این راه حواس پنجگانه خود را به کمک می‌گیرد.

این انسانهای کوچک، با اشتیاق زیاد به آموختن تمام دانسته‌ها و علوم شناخته شده‌ی زمان، به دنیا آمده و قابلیت کسب عالی‌ترین مقامات علمی را نیز دارند. به همین جهت است که برای رسیدن به مقصود، ناخود آگاه به جانب آن گام برمی‌دارند.

سه ساله‌ی اول زندگی این انسانها، قطعی‌ترین دوران پرورش و تقویت هوش و استعدادهای ذاتی آنها است. آنان در شش ساله‌ی اول، قادرند با شادی و تفریح، مبانی علوم فیزیک و ریاضی را در مغز در حال رشد خود، پایه‌ریزی و ضبط نمایند و حتی به چند زبان خارجی با لهجه‌ی مادری آن کشورها، مکالمه کنند و به خواندن کتبی در حدود سوم ابتدایی و حل مسایل ساده ریاضی مبادرت ورزند. در این کتاب راهنمایهای لازم برای حصول به این مقصود انجام گردیده است.

پس از مطالعه کتاب، والدین که بهترین و مؤثرترین آموزگاران رشد فکری کودکان هستند، پی می‌برند که چگونه می‌توانند این موجودات تشنه‌ی آموختن را به صورت دانشمندان ارزنده‌ای تحویل اجتماع دهند، و در دوران شش ساله اول زندگی که دوران قطعی سازندگی کودک است چه وظایف مهم و در عین حال شادی بخشی به عهده‌ی خود دارند. والدین از طریق مطالعه این کتاب در می‌یابند که خود داری از تأمین خواسته‌های کودک در هیجده ماهه اول زندگی چه لطماتی را ممکن است به رشد فکری وی و استعدادهای او وارد نمایند.

کتاب، با تقسیم مراحل مختلف شش ساله اول زندگی کودک به دوازده دوره، تا هیجده ماهگی، هیجده ماهگی تا سه سالگی، و سه سالگی تا شش سالگی و آموزشهایی که به صورت بازیهای سرگرم کننده به اطفال در ادوار مختلف بایستی داده شود، والدین را برای انجام وظیفه‌ی مقدس پرورش کودک، از لحاظ فکری و جسمی و تحویل انسانی با هوش‌تر به اجتماع راهنمایی می‌کند. توفیق والدین محترم را آرزو دارد:

علی شایق

اولین و بهترین آموزگار فرزندتان: شما هستید

کودک شما قبل از پایان ۶ سالگی و رفتن به کلاس اول چه اندازه توانایی آموختن دارد؟ در دوران قبل از رفتن به دبستان که جسم او آن قدر سریع رشد می‌کند چه تغییراتی در مغز وی رخ می‌دهد؟ آیا حقیقتاً سطح هوش و استعداد فرزند شما در طول زندگی، به وسیله ژنهایی که از والدین خود به ارث برده ثابت می‌ماند؟ یا آنکه شما می‌توانید آن را مدت‌ها قبل از اینکه به مدرسه برود بالا ببرید؟

در نقش یک پدر یا مادر، شما چه می‌توانید بکنید، تا موقعیتهای مناسب زیادی در ۶ سال اولیه (و غیر قابل جبران زندگی)، در اختیار فرزند خود قرار دهید، تا هوش و استعداد وی رشد و نمو کند؟ تحقیقات جدید، در مورد آموزش و رشد مغز کودک، در دوران قبل از شروع دبستان، به مرحله‌ای رسیده که جوابهای مهیج و

۲ ■ چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم

امیدوار کننده‌ای راجع به این سئوالات در اختیار شما قرار می‌دهد. جوابهایی که ارائه می‌شود نقش بسیار مهم مادر را برای پرورش فکری و روحی کودک در دوران قبل از شروع دبستان شادی آفرین‌تر و وسیع‌تر می‌نماید.

کتابهایی که در گذشته برای مواظبت و نگهداری اطفال نوشته می‌شد صرفاً به بحث درباره نحوه بزرگ کردن فرزندان که از لحاظ فیزیکی و روانی سالم باشند می‌پرداخت. توجه نویسندگان آن کتابها به طرز تعویض کهنه‌ی طفل، حمام کردن، جلوگیری از کج خلقی و غیره معطوف بود، بنابراین به والدین در مورد نقش آنها در پرورش و رشد استعداد های کودک خود مساعدتی نمی‌کرد. در آن کتابها هرچه بیشتر، راجع به نوع غذایی که باید وارد معده کودک شود صحبت می‌شد، نظری به مغز و رشد آن نبود.

امروزه تحقیقات دانشگاهی و معلومات ناشی از آن در مورد افزایش هوش و استعداد کودک به سرعت رو به فزونی می‌رود. متخصصین اعصاب و روانشناسان، مشغول کسب اطلاعات بیشتر در مورد ساختمان مولکولی مغز هستند تا پی ببرند که هنگام رشد و نمو کودک، چه تغییراتی در مغز وی حاصل می‌شود. اکنون شواهدی در دست است که بهترین زمان آموختن انواع دانستیها و تحریک توانائیهای اساسی در کودک، دوران اولین شش ساله زندگی قبل از رفتن به دبستان است. دادن بعضی اطلاعات به والدین در مورد آموزشهای اولیه می‌تواند استعدادهای اساسی فرزندان ایشان را افزایش داده، شادی و عشق به کسب علم و دانش را در مابقی دوران حیات در کودکان آنان به وجود آورد.

شما پدران و مادران مهمترین و ضروری‌ترین معلمی هستید که هیچگاه فرزند شما در طول زندگی مانند آن را نخواهد داشت شما تنها

اولین و بهترین آموزگار..... ۳۰

افرادی هستید که قادرید به هوش و استعداد فرزندان خود شکل داده، او را به طور انفرادی با عنایت به توانای‌هایی که دارد، تحت آموزش قرار دهید و وقت مناسب را برای آموزش و وسیله‌ای که او را بهتر قادر به فراگیری می‌نماید، انتخاب کنید. اکنون هنگامی است که شما نقش حیاتی خود را انجام دهید. اینها مطالبی هستند که متن این کتاب را تشکیل داده و از نظر شما می‌گذرد.

پدران و مادرانی که وظیفه آموزشی قبل از دبستان خود را انجام داده‌اند، با نهایت شادی و انبساط خاطر نتایجی را که به دست آورده‌اند، بیان می‌کنند. در زیر، چهار مورد آموزش قبل از دبستان، و نتایجی که از آن حاصل گردیده است از نظر خواننده می‌گذرد.

در شهر کوچکی واقع در «اندیانا» مادری برای جشن تولد دختر ۴ ساله‌اش مجلس میهمانی کوچکی ترتیب داد و ۶ نفر از هم‌سالان وی را نیز به جشن دعوت نمود. نزدیک پایان جشن مادر می‌بایستی موقتاً مجلس را ترک کرده و برای آوردن بستنی، آماده کردن کیک و روشن کردن شمع به آشپزخانه برود.

پس از چند دقیقه مادر ملاحظه می‌کند هیچ صدایی از کودکان در اتاق نشیمن شنیده نمی‌شود و سکوت کاملی حکم فرما است، با اضطراب از سوراخ کلید نظری به داخل اتاق نشیمن می‌اندازد با تعجب مشاهده می‌کند یکی از میهمانان ۴ ساله کتاب کوچکی را از قفسه برداشته و مطالب آنرا برای سایرین که مجذوب سرگذشت آن هستند می‌خواند.

فردای آن روز خانم میزبان به مادر میهمان ۴ ساله تلفن کرده و چگونگی را می‌گوید. مادر جواب می‌دهد. او، بله «مارتا» تابستان گذشته، خواندن و نوشتن را آموخت. نه، او هیچوقت کتابی را که نام می‌برید قبلاً نخوانده، مارتا هر کتابی که به دستش بیاید می‌تواند بخواند.

۴ ■ چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم

در یک اتاق بازی کودکان، «دانی» ۴ ساله با شادی به طرف قفسه‌ای رفته و جعبه بزرگی را که حاوی مهره و کارتهایی که روی آنها شمار نقش گردیده بود، بیرون کشید؛ سپس روی فرشی، کف اتاق نشسته و شروع به کار کرد. ابتدا یک سری اعداد را از صفر تا ۹ مرتب، روی زمین چید، آنگاه پهلوی هر یک از اعداد، بشقاب کوچکی گذارده مهره‌هایی به تعداد عددی که روی کارت بود در آن انداخت.

سپس دسته دیگری از اعداد را برداشته و در محل دهگان‌ها قرار داد و به این ترتیب عددها از ۱۱ تا ۹۹ شدند. بعد با رشته‌هایی که هر یک از ده مهره، تشکیل می‌شدند از ۱۰ تا ۹۰ مهره در کنار بشقابها گذاشت. سپس دسته سومی از اعداد را برداشته و آنها را در محل صدگانها گذارد و مطابق آنها رشته‌های صد مهره‌ای گذاشت. پس از آنکه کار خود را تمام کرد، رشته‌هایی درست کرده بود از ۱۱۱، ۲۲۲، ۳۳۳، ۴۴۴، ۵۵۵، ۶۶۶، ۷۷۷، ۸۸۸، ۹۹۹ مهره. دانی به این ترتیب درس خوبی از مفهوم اعداد آموخته بود.

در یک آپارتمان در شیکاگو پدر جوانی کارتهایی را از حروف چاپ شده، برای فرزند ۲۱ ماهه‌اش «جوناتان» درست کرد که به آن وسیله خواندن را به وی بیاموزد. کودک با حرکت دادن و جابجا کردن حروف نشان داد که می‌تواند به کمک حروف ۱۶۰ کلمه، یعنی بیش از آنچه که صحبت می‌کند، به نمایش بگذارد.

در فلوریدا دختری باریک اندام، مو سیاه و ۴۵ ماهه، یک کتاب کلاس سوم را برای پدرش که یک پزشک جراح بود می‌خواند. این دختر هنگام تولد مغزش آسیب دیده بود و هنوز نمی‌توانست بنشیند یا راه برود. نام دختر «دبی» بود. از طرف مراجع پزشکی چندین مرتبه تشخیص داده شده بود که «دبی» مبتلا به عقب ماندگی مغزی است.

نامبرده اکنون با آنکه سنش به ۴ سال نرسیده می‌تواند کتابهایی را که حاوی بیش از ۱۰۰۰ کلمه است بخواند.

هیچیک از این بچه‌ها نابغه به دنیا نیامده بودند، ولی چون کسی که آنها را دوست داشت از نظریه جدید در مورد آموزش قبل از دبستان و رشد مغزی کودکان اطلاع داشت به هر یک از اطفال این شانس داده شد که بیش از اطفال هم سن خود بیاموزند. چون استعداد همگی آنان توسط مربیانشان به بالاتر از حد متوسط همسالان خود رشد داده شد، در نتیجه آنان نیز به آموختن علاقمند شدند و به آن عشق ورزیدند.

ذوق آموختن قبل از دبستان و تحقیق در مورد آن در منابع مختلف علمی مورد تأیید قرار گرفته. متخصصین دستگاه عصبی، متخصصین اعمال سیستم عصبی و متخصصین بهداشت کودکان، سعی دارند، هر یک دقیقاً تعیین کنند که در دوران رشد سریع مغز، چه تغییراتی در آن صورت می‌گیرد. روانشناسان ضمن تحقیقات خود، اطلاعات زیادی در مورد مبانی بیولوژیکی مغز (ساختمان مولکولی مغز) و بیوشیمی آن (شیمی حیاتی) و نیز حالت و رفتار کودک، به دست آورده‌اند. آنان ضمن تحقیق در مورد تفکر، مغز را نیز که ابزار تجلی فکر و اندیشه است تحت بررسی دارند. زیست‌شناسان در جستجوی روابطی بین مغز حیوانی و انسانی که رشد آنها ثابت شده می‌باشند. آنان در این مورد، ضمن هزاران تجربه پی برده‌اند که تحریکاتی که بر روی مغز حیوانات جوان انجام می‌شود، اثرات مفید و مطلوبی دارد.

اکنون جامعه‌شناسان و معلمین، مشغول جستجوی طرقی برای جبران محرومیت آموزش شش ساله اول آن دسته از کودکانی هستند که بدون فراگیرهای ممکنه در این سن، وارد کلاس اول دبستان گردیده‌اند. این کودکان، به علت نداشتن تحریکات اولیه، قدرت آموختنشان متوقف شده

است. آموزگاران براین باورند که تحریرکات سالهای قبل از شروع مدرسه، بهترین روش بالا بردن هوش و استعداد کودک است. تعداد زیادی از والدین تحصیل کرده، پی برده‌اند که کودکان آنها قادرند درسهای کلاس اول و بالاتر از آن را، قبل از رفتن به دبستان فرا گیرند. نتیجه تحقیقاتی را که از طرف متخصصین و مراجع علمی، در مورد آموزش پیش از دبستان به عمل آمده می‌توان چنین خلاصه نمود:

- ۱- ما قدرت آموختن کودکان را خیلی کم به حساب آورده‌ایم.
 - ۲- ممکن است با تغییر روش پرورش کودکان، سطح استعداد آنان را بالا برده و در نتیجه کودکانی مشتاق‌تر و با نشاط داشته باشیم.
- دکتر جرج بیدل، برنده‌ی جایزه نوبل و یکی از متخصصین ژنتیک می‌گوید: ما در روش آموزشی موجود، فرصت‌های مناسب زیادی را در پرورش کودک از دست می‌دهیم. زیرا، در سیستم آموزشی موجود، حساس‌ترین زمان رشد کودک نادیده گرفته می‌شود. ما قدرت آموختن کودک را کم به حساب می‌آوریم. اشکال کار در این است که ما به سخنان و تواناییهای کودک درست توجه نمی‌کنیم، در صورتی که این کار، در درجه اول اهمیت قرار دارد.

آموزش اولیه، به این معنی نیست که خواندن و نوشتن را به طفل بیاموزیم، یا آنکه چون کودک سه ساله همسایه می‌تواند بخواند، تلاش کنیم تا کودک ۴ ساله ما هم بتواند، بخواند. یا آنکه مطمئن شویم، کودک پس از ۱۵ سال حتماً می‌تواند به «هاروارد» برود. شما نباید سعی کنید که از کودک ۴ ساله خود، یک طفل ۶ ساله درست کنید. یا آنکه شیرخوارگه را تبدیل به کلاس اول نمائید و این شانس را به طفل عزیز خود ندهید که او یک کودک باشد.

آموزش قبل از دبستان بدین معنی است که کشش و ظرفیت آموزشی

طفل خود را درک کنید، خواسته‌های مغز در حال رشد وی را بفهمید. او را به آموختن آنچه که دوست دارد راضی کنید، همان‌طور که سعی دارید دریا بید چه غذایی را دوست دارد. شما نمی‌خواهید مغز او را پر کرده و از او یک فیلسوف بسازید. همان‌گونه که در نظر ندارید با دادن ویتامینها، حیوان عظیم‌الجثه‌ای به وجود آورید.

آموزش قبل از دبستان عبارت از اینست که اطلاعاتی در اختیار او بگذارید که مغز در حال رشد کودک، به آن نیاز دارد. تا او در اولین سالهای شکل‌گیری مغز و فکرش بتواند به رشد ممکنه خود برسد. در این صورت است که طفل شما با استعدادتر و با نشاط‌تر می‌گردد.

تحقیقات نشان داده، پدر و مادری که کودکان خود را تحت تمرینات مداوم آموزشی قرار می‌دهند، ممکن است رشد فکری آنها را محدود کنند. ممکن است والدین در تخت‌خواب یا محل بازی با این تصور که طفل را تربیت می‌کنند، مانع ارضای خواسته‌های او شوند یا سر او فریاد بکشند تا او را آرام کنند. باید دانست که طفل نیاز به تحرک و فعالیت بدنی دارد. می‌خواهد به اشیاء مختلف نگاه کند، به آنها دست بزند. با آهنگ‌ها و صداها گوش کند، حرکت کند، همچنین دوست دارد که او را به اطراف حرکت دهند یا چیزی را بگیرد. این کارها همان‌قدر برای او مهم‌اند که هنگام گرسنگی به او غذا می‌دهید.

والدین ممکن است دستها را به هم بکوبند و ناراحت شوند از این که طفل آنها نمی‌خواهد کاری که آنها دوست دارند انجام دهد. و اصرار دارد که خواسته‌های خود را به انجام رساند. برای مثال کودک علی‌رغم ممانعت و نهی والدین، از جانی بالا می‌رود، چیزی را هل می‌دهد، می‌کشد، پاره می‌کند و غیره.

۸ ■ چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم

دکتر ژرف، مک، هانت^۱ استاد روانشناسی دانشگاه الینویز می گوید: ممانعت از امیال و خواسته های کودک بین ۹ و ۱۸ ماهه ممکن است به رشد فکری او لطمه زده و حتی استعداد نهائی وی را تقلیل دهد. محققین دریافته اند که حتی والدین تحصیل کرده هم، بدون در نظر گرفتن نیازهای مغزی طفلی که در حال رشد است، تحت تأثیر نظریه ی گذشتگان، در مورد جدول زمانی شکوفائی فکر و مغز بیم دارند که فرزندان خود را تحریک کنند آنان به این طریق، موانعی در کار رشد فکری کودکان خود بوجود می آورند.

خیلی از تحقیقاتی که اخیراً به عمل آمده نشان می دهد که، فکر آماده بودن طفل بیش از حد واقعی به حساب آمده و توانائی کودک برای بدست آوردن و جذب دانستنی ها بستگی به تحریکات، وضع محیط و میزان رشد وی دارد. برنامه تحقیقی جدید، در مورد آموزش شش ساله اول، تنها موافق راندن کودک به جلو نیست این برنامه می گوید که کودک خودش وقت فراگیری را انتخاب می کند. ولی حتی تحت این شرایط نیز اطفال ۳ و ۴ ساله به خواندن و ماشین کردن حروف علاقه نشان داده اند.

تقریباً تمام ناظرین برنامه های تحقیقاتی آموزش قبل از دبستان، شادی، نشاط و شوق اطفال تحت آموزش را مورد تمجید قرار داده اند. بررسی های خیلی دقیق هم، هیچ گونه اثر ناشایستی در وضع عمومی اطفال از قبیل سلامتی، دید چشم و رفتار، نشان نداده است.

دکتر دولورس، دورکین^۲ استاد تعلیم و تربیت دانشگاه الینویز ضمن بررسی بر روی اطفالی که آموزش قبل از دبستان را فرا گرفته اند دریافت

که اغلب آنها از طبقات پیشرو متوسط و حتی پائین تر از متوسط می باشند. بر خلاف والدین تحصیل کرده و طبقات مرفه که عقیده دارند آموزش طفل بایستی به وسیله مربی انجام شود و پدر و مادر نباید در آن دخالتی داشته باشد، خانواده‌هایی که چنین نمی کنند و ضمناً از نظریه ضرورت یاری کودکان در سن قبل از دبستان نیز کمتر اطلاع دارند با اشتیاق و شادی به سئوالات کودکان خود جواب گفته و به آنان کمک می کنند. این خانواده‌ها در حقیقت، به توانایی آموختن، خواندن و نوشتن کودکان، قبل از ورود به دبستان عقیده داشته و آن را تقویت می نمایند.

تحقیقات دکتر دورکین نشان می دهد (بهره‌ی هوش = IQ) اطفالی که آموزش قبل از دبستان را فرا گرفته‌اند، از اطفال هم‌تراز، که فاقد این آموزش می باشند. به طور مداوم، در تحصیلات مقدماتی پیشی می گیرد. با این حال، بعضی مواقع این وضع در کلاسهای بالاتر تغییر می کند آن هم موقمی است که اطفالی که آموزش اولیه داشته‌اند، از جهش آموزشی استفاده می کنند.

این نظریه که کار اطفال در دوران قبل از دبستان بایستی، صرفاً بازی باشد. مانع تحریکات لازم و به موقع کودکان است. اطفال کوچک، به آموختن عشق می ورزند و با اشتیاق زیاد به آموزش، به دنیا آمده و این احساس را در خود حفظ می کنند. مگر آن که ما مزاحم آنها شده، آنها را آزرده و به طریقی، این احساس را در آنان خفه کنیم.

اگر به دقت، کودک تازه به راه افتاده‌ی خود را ملاحظه کنید، می بینید به ندرت سرگرم بازی است، بلکه، بیشتر مستعد آموختن است؛ به حدی که شما نمی توانید با وادار کردن او به استراحت و غذا خوردن و بازی، مانع آموختن وی شوید.

برای مثال کودک ۴ ماهه خود را در نظر بگیرید که به نازگی

می آموزد از روی شکم به پشت برگردد. او بدین منظور سعی می کند خود را بالا کشیده و مجدداً به پشت برگردد. وی برای این کار از دونده‌ای که ۴ میل مسافت را می دود بیشتر تلاش می کند. یک دفعه که به پشت برگشت معمولاً شروع به داد و فریاد می کند، تا اینکه او را به روی شکم بگذارید تا کار خود را از نو شروع کند. اگر جغ جغه یا اسباب بازی دیگری در اختیار او بگذارید موقتاً آرام می شود، ولی، پس از چندی آن را رها کرده و مجدداً تمرین خود را از سر می گیرد. او میل دارد خود بیاموزد که چگونه مستقلاً از روی شکم به پشت برگردد.

شما همین حالت را هنگامی که طفل شما برای اولین دفعه خود را بالا کشیده، و می خواهد روی پای خود بایستد مشاهده می کنید. او بیش از یک وزنه بردار غرغر می کند، تلاش می کند و شکاک می سازد. پس از این که ایستاد نمی داند، چطور باید بنشیند و به این جهت فریاد می کشد. شما او را به آرامی روی زمین نشانیده و اسباب بازی در اختیار او می گذارید که بازی کند، ولی، او اسباب بازی را رها کرده و سعی می کند مجدداً روی پای خود بایستد. او می خواهد بیاموزد که چگونه باید بلند شده و بایستد.

چقدر فرزند شیرخوار شما، حروف باصدا و بی صدا را باهم مخلوط کرده و با شادی صداهای بی معنی از خود در می آورد، تا آنکه، به کمک والدین، اولین کلمه‌ی با معنی را تلفظ کند؟ هیچکس به او فشار نمی آورد که این سر و صداهای بی معنی را از خود بسازد؛ این کاری است که او به میل خود انجام می دهد تا آنکه تلفظ کلمات را بیاموزد. یک کودک دو یا سه ساله، فقط در یک روز، چند سؤال از شما می کند؟ او سعی دارد به هر چه که اطراف اوست پی ببرد، در مورد علل، نتایج و تمام شگفتی‌های زندگی سؤال می کند. این بازی نیست که او

می‌کند، او می‌خواهد بیاموزد و بداند. و شما شاید تحمل شنیدن اینهمه چرا را نداشته باشید.

اطفال ۳ و ۴ ساله برنامه آموزشی قبل از دبستان را، که بازی تقلیدی است دوست دارند و وانمود می‌کنند که بزرگ شده‌اند، ولی، این اطفال به ندرت این برنامه را در بازی‌های خود منظور می‌کنند. آنها بیشتر کارهای افراد بالغ را تقلید می‌کنند: ظرف می‌شویند، طفل شیرخوار را بغل می‌کنند و کارهای پزشکان، پرستاران، سربازها، آتش‌نشانی، پلیس و معلم را تقلید می‌نمایند.

اگر شما یک روز فرزند خود را زیر نظر بگیرید، بیشتر سئوالهای او را جدی خواهید گرفت زیرا، درمی‌یابید که چه چیز او را شادتر می‌کند؟ چه چیزی موجب تمرکز بیشتر فکر او می‌شود؟ چه چیز علاقه‌ی او را طولانی‌تر می‌کند؟

برای طفل قبل از دبستان، اهانت است اگر کارهای او را بازی تلقی کنید. این تلقی لطمه‌ای به رشد هوش او است، و موجب محرومیت او از تجربیاتی که در حال کار و تلاش بازی گونه به دست می‌آورد، خواهد شد. این روش در گذشته، نتایج بدی ببار آورده است که مهمترین آنها عبارتند از: ایجاد مانع در مورد تحقیق روشهایی که کودکان بر اساس آن روشها در دوران شش سالگی بهتر می‌توانند بیاموزند. مانع مذکور، حتی موجب می‌شود که والدین استعدادهای ذاتی کودکان را که در نهاد آنها است، کاهش دهند.

آموزگار مهد کودکی به مادر یکی از شاگردان می‌گفت: من به او آموختم که چگونه تمیز باشد، بینی خود را پاک کند، مرتب بنشیند و به موقع به مدرسه برود. تعدادی از مدارس، هنوز هم نشریه‌هایی برای والدین می‌فرستند، حاکی از اینکه سعی نکنید به اطفال کوچک خود، قبل

از دبستان، چیزی بیاموزید. ولی با تحقیقاتی که به عمل آمده، این روش به سرعت تغییر می‌کند.

علت عمده‌ای که موجب تحقیق جدید در مورد آموزش قبل از دبستان گردیده، اینست که بررسی روی اطفال ۵ و ۶ ساله در مناطقی که محرومیت آموزشی دارند، نشان داده است که این اطفال در کود کستان و دبستان، اغلب با مشکل آموزشی مواجه می‌شوند. اکثر این اطفال در دوران تحصیل دچار کندی فراگیری می‌شوند و به محض اینکه بتوانند، مدرسه را رها می‌کنند. آنان در کارهای خود نیز موفقیتی ندارند. هرچه آموزگاران، روانشناسان و جامعه‌شناسان، بیشتر در مورد این اطفال که از فرهنگ و آموزش محروم بوده‌اند بررسی می‌کنند، بیشتر به ارزش یک خانه خوب، والدینی که فکر اطفال خود را خصوصاً در دوران قبل از دبستان تحریک می‌کنند، پی می‌برند.

اگر شما در مورد اهمیت خودتان در نقش یک آموزگار در دوران شش ساله اول زندگی کودک خود شک دارید، بهتر است به گزارشاتی که در مورد کودکان محروم از آموزش و پرورش اولیه منتشر شده مراجعه کنید. در این صورت وظیفه آموزشی خود را بهتر درک خواهید نمود.

یکی از این گزارشها تحت عنوان آموزش جبران کننده محرومیت فرهنگی، بر مبنای کنفرانسی که در این زمینه در دانشگاه شیکاگو برگزار گردیده تدوین شده است. در این گزارش ذکر شده است که اگر اطفال، از آموزش قبل از دبستان محروم باشند، آموزشهای ده ساله اول تحصیلی آنها به مقدار زیادی بی‌نتیجه خواهد بود. گزارش مورد نظر، تأکید می‌کند که تمام آموزشهای بعدی شخص، تحت تاثیر آموزشهای اولین دوران شش ساله زندگی وی قرار دارد. بهترین پرورش رشد و نمو استعداد و هوش کودک، بایستی در منزل صورت گیرد.

در صورتی که شما فرزند خود را دوست داشته باشید، وقت زیادی را صرف او می‌کنید، کارهای زیادی را به طور غریزی برای رشد و پرورش فکری او انجام می‌دهید این در حالی است که شما از تلاشی که عملاً برای رشد و پرورش کودک خود انجام می‌دهید، مطلع نیستید. والدین اطفال محروم از تربیت، یا آنهایی هستند که خیلی مشغولند، یا خیلی درگیر مسائل اقتصادی می‌باشند یا خیلی از وظیفه خود برای پرورش فکری کودک بی‌اطلاع‌اند، نتیجه این اهمال و مسامحه والدین در مهد کودک و کلاسهای دبستان به خوبی مشهود می‌گردد.

والدین خوب، با توجه دوست داشتنی و تحریک کننده ذهن فرزندان خویش به اطفال خود چه می‌دهند که یک کودک محروم از آموزش قبل از دبستان، از آن محروم است؟: «شانس رشد ادراک در آغاز مرحله طفولیت.» طفل در اولین شش ساله زندگی با بکار گرفتن حواس پنجگانه خود سعی در شناسایی دنیای اطراف خود می‌کند. دنیایی که سرشار از بازیهای مختلف، اسباب بازی‌ها و اشیاء دیگر است. او با گرفتن و دست زدن به آنها رشد ادراک خود را تحریک می‌کند. تماس با افراد بالغ هنگام صرف غذا، هنگام بازی با آنها، در طول مدت روز نیز، همین تحریکات را صورت می‌دهند.

رشد ادراک طفل در موفقیت او، هنگام ورود به دبستان و سالهای بعد تاثیر بسزائی دارد. بین اطفالی که از آموزش اولیه محروم مانده‌اند، و آنهایی که با افراد بالغ و جالب در تماس بوده‌اند و موقعیتهائی برای لمس کردن، گرفتن، بازی کردن، آموختن داشته‌اند، تفاوت زیادی وجود دارد. آموزش زبان، مطلب دیگری است که طی آن والدین ذی‌علاقه اطفال خود را به آموختن تحریک می‌کنند. در صورتی که کودکان خانواده‌هائی که در این مورد اهمال و مسامحه می‌کنند، از

صحبت کردن عقب می‌مانند. صحبت کردن کودک به مقدار خیلی زیاد، بستگی به توجه والدین دارد. پدر و مادری که از نیازهای حرف زدن کودک اطلاع دارند، او را ترغیب به گفتن کلمات می‌کنند. با او مرتباً حرف می‌زنند. اگر کلمات صحیحی اداء کند او را تشویق می‌کنند. یا هنگامی که در گفتن کلمه‌ای موفق شود به او جواب می‌دهند، برای او می‌خوانند، و وضعی به وجود می‌آورند که او جواب بدهد.

در چنین محیطی که سرشار از گفتگو است، دایره‌ی لغات طفل توسعه پیدا می‌کند. کودک پس از آنکه توانست کلمات را اداء کند، سعی می‌کند که از آنها جمله بسازد. او یاد می‌گیرد که هیجانات و خواسته‌های خود را بر زبان بیاورد. بنابراین شروع به بیان افکار خود می‌کند و کلمات را به جای ابزار فکر و اندیشه بکار می‌برد.

به اطفال فاقد آموزش اولیه، با کلمات یک سیلابی جواب گفته شده است: «نه - بله» به آنها اجازه فکر کردن داده نشده و یا آنکه اصولاً به صحبت‌های آنها جوابی نگفته‌اند.

بدبختانه میلیون‌ها نفر از والدین که عمیقاً علاقمند به پرورش فکری عزیزان خود هستند به تحریک استعداد آنها توجهی نکرده و موقعیتهای زیادی را برای انجام این منظور از دست می‌دهند. این عمل را می‌توان چنین تفسیر کرد: کودک غذا دارد، ولی آن غذا فاقد پروتئین، کالری و ویتامین است.

ما اکنون پی برده‌ایم که غلبه کردن به محرومیت تحریکات محیط، در سالهای اولیه‌ی زندگی، چقدر سنگین و مشکل است. اکنون برنامه‌های وسیع و گران‌قیمتی در استانها یا در سطح کشور به وسیله مؤسسات خصوصی و دولتی امریکا در دست اجرا است که به طریقی رشد فکری اطفالی که محروم از آموزشهای اولیه قبل از ورود به کلاس اول دبستان

بوده‌اند، کمک شود.

برنامه‌های تعداد زیادی از هزاران کودکستانی که در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، برای آموزش قبل از دبستان دایر شدند، در افزایش استعداد اطفالی که عقب مانده بودند، تأثیر چندانی نداشت. مرور زمان نشان داد اطفالی که در برنامه‌های کودکستانی شرکت کردند بهره‌هایی از لحاظ میزان هوش برده‌اند ولی بعضی از این بهره‌ها، یا تمام آنها، پس از آنکه طفل، کلاس اول را طی نمود بی نتیجه شد، زیرا او به مرور در سطح دیگر شاگردان قرار گرفت.

دلایل زیادی برای این عدم موفقیت وجود داشت. درصد زیادی از برنامه‌ها توجه کمی به تئوری جدید برای روش افزایش هوش کودک می نمود. بیشتر برنامه‌ها از روی برنامه سنتی کودکستانی اقتباس گردیده بود. مقدار زیادی از برنامه‌ها صرف سلامتی جسمانی کودک و کمک به سرویسهای اجتماعی و عمومی خانوادگی مانند نظافت و غیره می شد که نمی توانست در تشویق رشد فکری کودک اثر داشته باشد. به علاوه، اطفال ۳ یا ۴ ساله فقط ۲ یا ۳ ساعت در روز در این کودکانها شرکت دارند. این زمان خیلی کوتاه‌تر از آنست که بتواند تحریک شدن رشد فکری کودک را در منزل جبران کند. تأثیر بالنسبه زیاد عدم توجه به کودک در منزل، به علاوه دنبال نکردن این برنامه در مدرسه معمولاً مانع رشد بیشتر استعداد کودک می گردد، اگر برنامه تحریک فکری کودک طبق طرحهایی که دولت در دست دارد ادامه پیدا کند و به برنامه‌های کلاسهای اول دبستان اضافه شود، محتملاً باعث خواهد شد که اطفال، بیشتر استعدادهایی را که یافته‌اند حفظ کنند.

برای فائق آمدن به این مشکلات، سازمانهای مختلف دولتی و ملی توجه خود را به انواع برنامه‌های تجربی در منزل معطوف می دارند

برنامه‌هایی که هدف آنها، رشد استعداد اطفال قبل از سه و چهار سالگی است همچنین طی این برنامه‌ها نحوه‌ی آموزش را به پدران و مادران می‌آموزند و به آنان می‌گویند که چه روشی را با فرزندان خود در پیش گیرند. در بعضی از این طرحها معلم بیشتر دوست دارد تا گاه و بی‌گاه مددکاری را به منزل بفرستد تا وی از نزدیک مشاهده کند که مادری که طفلش تازه به راه افتاده یا سن او نزدیک سه سالگی است، با کودک خود چگونه بازی می‌کند و چگونه او را آموزش می‌دهد. مددکار احتمالاً یک یا دو اسباب بازی آموزشی هم به مادر عاریه داده یا از وی عاریه می‌گیرد. مرکز آموزش اطفالی که بوسیله‌ی والدین اداره می‌شود در ارتباط با چنین بازدیدهایی اغلب مادران را به محلی راهنمایی می‌کند که در آنجا مادر بتواند از نزدیک اهمیت توجه و آموختن به کودک را ملاحظه کند. صدها طرح نظیر این طرحها، اکنون برای مناطق فقیرنشین در دست اجرا است که موجب منطبق کردن نحوه‌ی آموزش مادران با تجربیات جدید می‌گردد.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد که میزان هوش و استعداد اطفال کوچکی که در برنامه‌های آموزشی، که ریشه آن خانه است شرکت داشته‌اند، رشد اساسی می‌کند رشدی که برای سالهای زیادی ادامه خواهد داشت. حال آنکه، تقویت هوش به هر حال موقتی خواهد بود، مگر آنکه مادر کودک به آموزش او در اوائل زندگی همت نماید یکی از استادان روانشناسی دانشگاه کرنل^۱ نتیجه می‌گیرد که بیشترین و ثابت‌ترین بهره‌ای که کودک از افزایش هوش و استعداد و رشد فکری می‌گیرد، هنگامی است که مادر و کودک در مورد مسائل عمومی با هم

1. Cornell